

روزنامه خود در خیابانها و معابر تهیه و نصب نماید.

قسمت هفتم: جرایم

ماده ۲۳) مدیران جرایم و سردبیران و نویسندگان مقالات و رسالات و امثال آنها از حیث جرائمی که در مورد درج مقالات و سایر نوشتجات روزنامه و غیره مرتکب شوند، مشمول مقررات مذکوره در قانون کیفری همگانی و سایر قوانین جزائی و مقررات کیفری این قانون خواهند بود. به اضافه دادگاه می تواند به اجازه مواد ۸ و ۹ و ۱۵ قانون مجازات عمومی برای مدتی که به موجب قانون مقرر است متهم را از حق روزنامه نویسی محروم نماید و هر گاه مرتکب جرائم در روزنامه و مجلات و امثال آن از مستخدمین دولتی یا بلدی باشند، به اخراج از خدمت نیز محکوم خواهند گردید.

ماده ۲۴) مرتکب توهین به مقام سلطنت و خانواده سلطنتی (پدر - مادر - ملکه «زوجه» اولاد - پادشاه) در صورتی که در روزنامه و مجلات و امثال آن جرم واقع شود، به ۳ ماه الی ۳ سال حبس تأدیبی و ده هزار ریال الی یکصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود و همین مجازات برای کسانی است که به مذهب رسمی کشور و مبانی مقدسات مذهبی توهین نمایند.

ماده ۲۵) توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد و هیئت ها و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر نسبت به آنها با شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب بوده، نویسنده مقاله و همچنین مدیر روزنامه و یا مجله از یازده روز تا ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم می شوند - استرداد شکایت قبل از قطعیت حکم موجب موقوفی تعقیب خواهد بود.

ماده ۲۶) توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات بطور کلی و هر گونه تحقیر و تخفیف نسبت به مستخدمین دولت اعم از نخست وزیر یا وزیر و یا سایر مستخدمین دولتی و یا نمایندگان مجلسین و یار و سا و اعضاء دربار سلطنتی و یا رؤسا و اعضاء انجمن های شهرداری و انجمن های ایالتی و ولایتی و شرکتهای و بنگاه های وابسته به دولت و مستخدمین آنها در صورتی که مربوط به شغل آنها باشد

مرتکب در حدود مواد ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ قانون مجازات عمومی مجازات می‌شود و هر گاه مربوط به شغل آنها نباشد مجازاتی که کمتر از نصف حداقل مجازات‌های مقرر در مواد مذکوره نباشد محکوم می‌گردند.

ماده ۲۷) طبع و نشر محتویات پرونده‌های قضائی که از لحاظ حفظ ناموس و یا جهات اخلاقی مضر باشد ممنوع است و مرتکب به یک ماه الی یک سال حبس تأدیبی محکوم می‌گردد ولی این منع شامل درج شکایت شاکی خصوصی در صورتی که متضمن الفاظ قبیحه نباشد و همچنین حکم محکمه با اجازه دادستان نخواهد بود.

ماده ۲۸) انتشار دستورالعمل‌های محرمانه نظامی و اخبار مخفی ارتش و نقشه قلاع و استحکامات و اقدامات سیاسی دولت ممنوع است و مرتکب به یک الی سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود، مگر اینکه جرم از حیث کیفیت مشمول قوانین دیگر جزائی باشد که مجازات آن بیشتر است. در این صورت مجازات اشد مورد حکم واقع می‌شود.

قسمت هشتم: دادرسی

ماده ۲۹) در موارد زیر به امر دادستان ضابطین دادگستری، روزنامه و یا مجله و هر نشریه دیگر را توقیف و نسخ آن را جمع‌آوری می‌نمایند.

۱- در صورتی که مندرجات آن مخالف و مضر به اساس دین اسلام باشد.

۲- در مواردی که نسبت به مقام سلطنت بی‌احترامی شده باشد.

۳- وقتی که به افشاء اسرار نظامی مبادرت شده باشد.

۴- وقتی که موجب تحریک و هیجان مردم و یا اختلال امنیت و آسایش عمومی گردد.

۵- وقتی که مردم را بر علیه دولت و یا قوای دولتی تحریک و تحریص نموده باشد.

۶- در صورت اشاعه صور قبیحه و یا الفاظ رکیکه که عفت عمومی را جریحه دار می‌نماید.

۷- در مورد بزه مشمول قسمت اول ماده (۲۸) این قانون

ماده (۳۰) اشخاصی که طبق این قانون روزنامه یا نشریه آنها توقیف گشته مادام که تکلیف نشریه بوسیله دادگاه تعیین نگردیده به هیچ عنوان و به هیچ ترتیب نباید روزنامه یا نشریه دیگر انتشار دهند و اسم روزنامه توقیف شده نیز با خطوط درشت یا ریز بعنوان آگهی و غیر آن در روزنامه یا نشریه جدید انتشار ممنوع است. و در صورت ارتکاب علاوه بر جمع آوری نسخ نشریه جدید برای هر دفعه، ناشر به تأدیه پنج الی بیست هزار ریال محکوم می شود.

ماده (۳۱) در صورتی که در نشریه به مذهب و یا به شخص پادشاه اهانت شده باشد، دادستان می تواند مرتکب یا مرتکبین را بازداشت نماید، از این بازداشت می توان مطابق مقررات قانون اصول محاکمات جزائی به دادگاه شکایت نمود. و ادامه یا رفع توقیف منوط به نظر دادگاه است.

ماده (۳۲) کسانی که نشریه آنها توقیف شده می توانند در هر یک از مراحل رسیدگی قضائی رفع توقیف را از دادگاه تقاضا نمایند و دادگاه مکلف است به فوریت و قبل از رسیدگی به اتهام نظر خود را در این خصوص اعلام دارد. رأی دادگاه در صورتی که بر رفع توقیف باشد، در این مورد قطعی و تا صدور حکم نهائی قابل اجراست.

ماده (۳۳) رسیدگی به کلیه بزه های مذکوره در این قانون اعم از این که مجازات آن در این قانون و یا در قوانین دیگر ذکر شده باشد، در دادگاههای کیفری عمومی مربوطه بعمل می آید.

ماده (۳۴) رسیدگی به جرائم مذکور در قسمت اول ماده ۲۸ و بند ۴ و ۵ ماده ۳۱ این قانون با حضور هیئت منصفه بعمل می آید.

ماده (۳۵) رسیدگی به کلیه جرائم مذکوره در این قانون باید با رعایت فوریت و خارج از نوبت بعمل آید. قضات و یا مأمورین دولتی که از این دستور تخلف نمایند بعنوان خودداری از انجام وظیفه تعقیب خواهند شد.

تبصره - منظور از فوریت و رسیدگی خارج از نوبت این است که هیچ کار دیگری

را مقدم بر رسیدگی به اتهام مطبوعاتی و این قبیل جرائم قرار ندهند.

قسمت نهم: هیئت منصفه

ماده (۳۶) اعضای هیئت منصفه باید دارای شرایط ذیل باشند.

۱- تابعیت ایران

۲- خط و سواد فارسی به اندازه کافی

۳- اقامت دائمی در محلی که در آنجا هیئت منصفه تشکیل می شود و معروفیت در

آن محل

۴- داشتن چهل سال تمام شمسی

۵- محکوم به جنحه و جنایت نبوده، معروفیت به فساد اخلاق نداشته باشند.

۶- استخدام دولتی نداشته و در ادارات بلدی و مجالس مقننه نیز عضویت نداشته

باشند.

(قضات و افسران بازنشسته را می توان به عضویت هیئت منصفه انتخاب نمود)

ماده (۳۷) اعضاء هیئت منصفه در جرائم مطبوعاتی به طریق ذیل معین می شوند.

در ماه اسفند هر سال در مقر هر دادگاه شهرستان، فرماندار و رئیس دادگستری و

رئیس انجمن شهر و رئیس اطاق تجارت (در نقاطی که انجمن شهر و اطاق تجارت

تشکیل نشده شهرداری و یک نفر از بازرگانان معروف قائم مقام آنها خواهند بود) و

یک نفر از انجمن روزنامه نگاران و یا یکی از مدیران جرائد معروف کثیرالانتشار از

بین واجدین شرایط ده نفر از معتمدین محلی را برای عضویت هیئت منصفه (از بین

واجدین شرایط) برای مدت یک سال انتخاب می نمایند.

ماده (۳۸) در هر موقعی که دعوت هیئت منصفه لازم گردد، دادگاه با حضور

دادستان کسانی را که به موجب ماده بالا تعیین گردیده اند، پنج نفر بعنوان عضو اصلی

و پنج نفر بعنوان عضو قائم مقام تعیین و برای روز دادرسی دعوت می نمایند.

اعضاء هیئت منصفه باید در دادگاه حاضر شده و مادام که ختم دادرسی اعلام نشده

در جلسات دادرسی حضور داشته باشند و هر گاه یک یا چند نفر از اعضاء اصلی

حاضر نباشند، به تشخیص رئیس دادگاه از بین اعضاء علی البدل که در مقر محکمه

حضور دارند قائم مقام آنها تعیین می‌گردد.

ماده (۳۹) هیئت منصفه در صورتی که تحقیق در امری را از متهم یا وکیل او و یا دادستان لازم بدانند توسط رئیس دادگاه استعلام می‌نمایند و ناظر جریان دادرسی هستند و اگر در ضمن دادرسی سوء جریانی مشاهده نمایند مراتب را به رئیس دادگاه یادآوری می‌کنند.

ماده (۴۰) پس از ختم دادرسی رئیس دادگاه از مسن ترین عضو هیئت منصفه درخواست می‌نماید که به اطاق مشاوره رفته نظر اعضاء هیئت منصفه را دائر بر براءت یا مجرمیت متهم و در صورت مجرمیت از حیث اینکه رعایت تخفیف در باره متهم لازم است یا نه، به اطلاع دادگاه برساند.

ماده (۴۱) دادگاه پس از دریافت عقیده هیئت منصفه با توجه به نظر آنان به انشاء حکم مبادرت می‌نماید ولی در صورتی که عقیده دادگاه با عقیده هیئت منصفه مخالف باشد، دادگاه مطابق تشخیص خود حکم صادر می‌کند.

ماده (۴۲) هر چند نوبت که حکم دادگاه در دیوان کشور نقض شود، جریان رسیدگی مجدد به ترتیب اولی خواهد بود.

ماده (۴۳) هر یک از اعضاء هیئت منصفه در ظرف مدتی که برای این منظور انتخاب می‌شوند، نمی‌توانند بدون عذر موجه غیبت نمایند و اگر غیبت کنند برای یک دوره از انتخاب شدن در مجالس تقنینیه و عضویت انجمن‌های بلدی و ایالتی و ولایتی و عضویت هیئت منصفه محروم می‌شوند.

اعضاء هیئت منصفه پس از انتخاب حق ندارند استعفا بدهند مگر در مواردی که جهات قانونی برای رد آنها موجود باشد - جهات رد همان است که در قوانین برای رد دادرسان مقرر است - تشخیص قانونی بودن استعفا با دادگاه است و در صورت عدم قبول ممتنع در حکم ماده قبل خواهد بود.

قسمت دهم: مقررات مختلفه

ماده (۴۴) صاحب امتیاز و مدیر مسئول و دبیر و سایر مأمورین ذی ربط روزنامه یا مجله و نویسندگان و رئیس و یا مسئول چاپخانه و اعلان کنندگان و نشر دهندگان

در مقام ارتکاب جرم در صورتی که وحدت نظر آنها با جرم اصلی احراز شود، با توجه به نحوه عملی که انجام داده‌اند، بعنوان معاون یا شریک جرم قابل تعقیب می‌باشند.

ماده (۴۵) کتاب و روزنامه و سایر اوراقی که در خارجه به طبع می‌رسد، در صورتی که بنا به تشخیص دولت ورود و انتشار آنها در داخله کشور غیر مقتضی تشخیص شود، از ورود و نشر آنها جلوگیری خواهد شد. مجازات کسانی که این قبیل مطبوعات را پس از منع به داخله کشور وارد نموده و انتشار دهند، اعم از این که منع کلی بوده و یا مربوط به یک شماره باشد، به حبس تأدیبی از یک ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

ماده (۴۶) به کلیه جرائمی که بوسیله مطبوعات ارتکاب می‌شود، اعم از این که مطابق تعریف این قانون جرم مطبوعاتی باشد یا نباشد، منحصرأ در دادگاههای دادگستری رسیدگی می‌شود و دادگاههای اختصاصی صلاحیت رسیدگی به این قبیل جرائم را ندارند ولو اینکه به موجب قوانین دیگر رسیدگی در صلاحیت آنها قرار داده شده باشد.

ماده (۴۷) جز در موردی که در این قانون ذکر شده، هر یک از مأمورین قضائی و کشوری و لشکری به هر عنوان و دستاویز مانع انتشار روزنامه یا مجله و یا کتاب و امثال آنها شده و یا مزاحم متصدیان امر شوند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و به حبس تأدیبی از یک تا سه سال محکوم می‌شوند.

ماده (۴۸) قانون مطبوعات محرم ۲۶ قمری و قانون هیئت منصفه مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ شمسی نسخ می‌شود و هر گاه بین مندرجات این قانون و قوانین دیگر از حیث مفهوم اختلافی موجود باشد، مقررات این قانون معتبر خواهد بود.

ماده (۴۹) برای اجتماع و مذاکره و بحث در مسائل مطبوعاتی و رسیدگی به صلاحیت اخلاقی و معاضدتهای مالی روزنامه‌نگاران و نویسندگان و مدیران و سردبیران جرائد، انجمن روزنامه‌نگاران بر طبق آئین نامه‌ای که وزارت فرهنگ و دادگستری با شرکت پنج نفر از مدیران جرائد تنظیم خواهند نمود، باید تأسیس شود.

ماده (۵۰) کلیه کسانی که از شهریور ماه ۱۳۲۰ تاکنون اقدام به انتشار روزنامه یا مجله

و امثال آن نموده‌اند در صورتی می‌توانند بکار خود ادامه دهند که وضعیت خود را در ظرف شش ماه از هر حیث با این قانون تطبیق نمایند.
مرجع تطبیق و تشخیص و صدور اجازه انتشار جدید، شورای عالی فرهنگ است و به انتخاب مجلس شورای ملی یک نفر از کانون روزنامه‌نگاران در شورای فرهنگ برای این منظور شرکت خواهد نمود.
ماده (۵۱) این قانون از تاریخ تصویب قابل اجراست.

پایان

سند شماره ۴۵

مکاتبه وزارت فرهنگ با جبار باغچه بان در باره مجاز بودن ادامه انتشار
مجله زبان

وزارت فرهنگ

اداره: انطباعات

شماره: ۴۴۸۸۳/۱۰۵۲۵

تاریخ: ۲۹/۱۲/۲۰ [۱۳]

آقای جبار باغچه بان

در پاسخ نامه مورخ ۲۹/۱۲/۱۳ شما اشعار می‌دارد:

چون طبق قانون الغاء قوانین مطبوعاتی (به استثناء قانون مطبوعات مصوب پنجم محرم ۱۳۲۶) قید قانون بند (ز) قانون اصلاح قانون مطبوعات از درجه اعتبار ساقط شده است لذا اجازه نامه شماره ۳۵۴۹۳/۸۲۷۷/۹۲۵-۲۲/۱۲/۱۴ چاپ و انتشار

مجله [ای] به نام (زبان) به مدیری شما از این تاریخ معتبر شناخته می شود و می توانید به چاپ و نشر روزنامه مزبور پردازید.

وزیر فرهنگ

رونوشت برای اطلاع دفتر نخست وزیری ارسال می شود.

به جای وزیر فرهنگ

[امضاء: ناخوانا]

[حاشیه پایین: ضبط است.]

[مهر: دفتر ارسال مراسلات نخست وزیر

شماره: ۴۰۱۸۴

تاریخ: ۲۹/۱۲/۲۲

ساعت: ۹

سند شماره ۴۶

مکاتبة رئیس شهربانی کل کشور (سرتیپ دفتری) با نخست‌وزیر
(حسین علاء) درباره مشکلات ناشی از لغو قانون مطبوعات
مصوب اسفند ۱۳۲۷

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

اداره آگاهی

تاریخ: ۲۹/۱۲/۲۴ [۱۳]

شماره: ۵۲۶۰۷

محرمانه. فوری است

پیوست: ۱/۴۵۵۸۵

موضوع: ۷۶۲۰

جناب آقای نخست‌وزیر

نظر به این که بعد از الغای قانون اصلاح قانون مطبوعات، مصوبه اسفند ماه ۱۳۲۷ اکثر روزنامه‌ها و جراید مقالات اهانت‌آمیز نسبت به مقام سلطنت و خانواده سلطنتی درج و مردم را ضمن مقالات خود صریحاً دعوت به انقلاب و آشوب و خون‌ریزی می‌نمایند و هنگامی که مطابق مقررات قانون مطبوعات، مصوب محرم ۱۳۲۶ قمری روزنامه آنها توقیف می‌شود، مدیر مربوطه روزنامه دیگری را به جای روزنامه توقیف شده منتشر و کلیشه روزنامه خود را تحت عنوان «آگهی» در صفحه اول آن روزنامه قرار داده و باز مطالب زننده و اهانت‌آمیز شدیدتری را درج می‌نماید و به این ترتیب جلوگیری از نشر روزنامه‌های مضر و هیجان‌آمیز تأمین نگردیده بلکه به تجری مدیران جراید توقیف شده افزوده می‌شود، از طرفی هم مقررات قانون محرم ۱۳۲۶ مجوزی برای توقیف مدیر روزنامه متخلف پیش بینی ننموده و پس از اعلام توقیف روزنامه از طرف شهربانی به دادسرا نیز، مقامات قضایی درباره تعقیب و

توقیف مدیر مربوطه تصمیم عاجل و اقدام مؤثر فوری به عمل نیاورده، مدیر روزنامه توقیف شده با کمال بی‌اعتنایی به جریان توقیف روزنامه به طوری که عرض شد مبادرت به نشر روزنامه دیگری به جای روزنامه خود نموده، منویات مغرضانه خویش را انتشار می‌دهند و چون راجع به قانون جدید مطبوعات که مقرر بود در ظرف یک ماه پس از الغاء قانون اسفند ۱۳۲۷ به مجلس تقدیم گردد تاکنون اقدامی به عمل نیامده، علیهذا خاطر عالی را به مراتب معروضه متوجه و متمنی است مقرر فرمایند در این باره تصمیمات شایسته اتخاذ و از نتیجه شهربانی کل را مستحضر سازند.

رئیس شهربانی کل کشور - سر تیپ دفتری

[امضاء]

[حاشیه بالا:] شرحی به وزارت دادگستری نوشته شود که نخست وزیر معتقد است که قانون هیأت منصفه مصوب ۳۱۰/۲/۲۹ [۱] که قانونی است مستقل به قوت خود باقی است و ماده ۳ آن جرم‌های مطبوعاتی را از غیر مطبوعاتی مجزا دانسته و اهانت به خاندان سلطنت و افراد را مطبوعاتی ندانسته و طبق قانون مزبور، ابداً اشکالی ندارد که این اشخاص تحت تعقیب در آیند و مسلماً مجلس هم که جز قانون محرم ۲۶ سایر قوانین مطبوعاتی را لغو کرده نظری به قانون هیأت منصفه نداشته است و اگر طبق قانون مزبور عمل شود از این هرزه درآیی کاملاً جلوگیری خواهد شد. ۱۲/۲۴

[امضاء: ناخوانا]

[حاشیه چپ:] رونوشت به شهربانی ابلاغ شود.

[امضاء: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره ۵۰۲۳/۴

تاریخ ۲۹/۱۲/۲۴

سند شماره ۴۷

مکاتبة نخست وزير (حسين علاء) با وزير دادگستري (شمس الدين اميرعلايى) درباره ماده واحده تنظيم شده براي اصلاح قانون مطبوعات

نخست وزير

شماره: ۱/۱۳۴

تاريخ: ۳۰/۱/۷ [۱۳]

جناب آقاى وزير دادگستري

در دولت سابق طرح ماده واحده اى به منظور اصلاح قانون مطبوعات تنظيم شده بوده است كه رونوشت آن براي ملاحظه و اظهار نظر تلوأ ارسال مى شود.

نخست وزير

[امضاء پيش نويس:] جوادزاده

۳۰/۱/۶

سند شماره ۴۷/۱

نخست وزير

مجلس محترم سنا

چون با الغاى كليه قوانين مربوط به مطبوعات به استثنای قانون مورخ پنجم محرم الحرام ۱۳۲۶ قمرى نقائى در قانون مزبور به نظر رسيد كه در عمل ايجاد اشكالات عديده خواهد نمود لذا براي رفع نقائص مزبوره ماده واحده و چهار تبصره ذيل آن را منضمأ تقديم و تقاضاى تصويب آن را مى نمايد.

وزير دادگستري

وزير فرهنگ

نخست وزير

[امضاء:] محمد على بوذرى

سند شماره ۴۷/۲

نخست وزیر

قانون اصلاح قانون مطبوعات

ماده واحده) - توهین نسبت به افراد خاندان جلیل سلطنت (پدر - مادر - ملکه - اولاد بلافصل - برادر و خواهر پادشاه) مستلزم از سه ماه تا شش ماه حبس و پرداخت ۵۰۰ الی ۱۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی است.

تبصره ۱) فقرات سه گانه ذیل به شروط مندرجه در ماده ۶ قانون مطبوعات، مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ اضافه می شود:

۴) تصدیق دوره لیسانس داشته باشد.

۵) مستخدم دولت نباشد.

۶) وکیل دادگستری نباشد.

تبصره ۲) جرایم مندرجه در قانون مطبوعات، مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ قمری و ماده ۱۲ قانون هیأت منصفه، مصوب ۱۳۱۰/۲/۲۹ تومانی یکصد ریال محسوب خواهد گردید.

تبصره ۳) رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در هر مرحله خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

تبصره ۴) به هر یک از اعضاء هیأت منصفه برای هر جلسه دویست ریال دستمزد داده می شود.

سند شماره ۴۸

گزارش شهربانی کل کشور به نخست‌وزیر (حسین علاء) درباره
جلوگیری از انتشار روزنامه عصر آزادی به جای روزنامه توقیف شده
اصناف

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

تاریخ: ۳۰/۱/۲۹ [۱۳]

شماره: ۵۵۲۵/۷۲۷

پیوست: ۱/۳۹۰۳

جناب آقای نخست‌وزیر

طبق گزارش اداره کارآگاهی به استحضار می‌رساند در تاریخ ۲۳ ماه جاری به ستوان
یکم خدادادگان و محرمعلی زینالو، کارمندان اداره مزبور مأموریت داده می‌شود از
انتشار روزنامه عصر آزادی که به جای روزنامه توقیف شده اصناف در چاپخانه تابان
چاپ شده بود جلوگیری نمایند - به محض ورود مأمورین به چاپخانه طرفداران
مدیر روزنامه مزبور مانع انجام وظیفه مأمورین گردیده و توسط تلفون از خارج
استمداد طلبیده در نتیجه قریب سی نفر اشخاص متفرقه به هیاهو به تحریک هشت
نفر اشخاص نامبرده زیر:

علی اکبر اسمعیل زاده، فرزند محمد ابراهیم، پیشه درودگر

مرتضی شاه حسینی، فرزند علی، پیشه کفاش

اکبر معماری، فرزند علی، پیشه کفاش

عباس مدرسی، پیشه شاگرد آهن فروش

قدرت الله احمدی، فرزند احمد، پیشه شاگرد آهن فروش

حسن خرماچی، فرزند محمد، پیشه بلور فروش

حسین سمیعی، فرزند حسن، پیشه کفاش

ابوالقاسم یمنی، فرزند تقی، پیشه کفاش

وارد چاپخانه و به مأمورین حمله‌ور و آنها را مضروب می‌نمایند که پس از اطلاع از این جریان با اعزام مأمورین دیگر مرتکبین جلب و مطابق مقررات تعقیب و کلیه روزنامه‌های چاپ شده و موجوده که برای توزیع حاضر نموده بودند جمع آوری و مطابق نظریه کمیسیون مربوطه طبق قانون مطبوعات توقیف و پرونده امر طی شماره $\frac{۱/۳۰۲۵/۵۳۸}{۳۰/۱/۲۴}$ برای رسیدگی به دادسرا احاله گردیده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - سر تیب آرتا

[امضاء]

[حاشیه بالا، راست:] برای استحضار جناب آقای معاون ۳۰/۱/۳۱

[حاشیه بالا، چپ:] بد عرض برسد.

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزراء

شماره: ۱۷۹۱

تاریخ: ۳۰/۱/۳۱

سند شماره ۴۹

مکاتبه وزارت دربار با نخست وزیر (دکتر مصدق) درباره لزوم
جلوگیری از فعالیتهای تبلیغی مدیر روزنامه شورش به علت نشر
اکاذیب علیه سلطنت

دربار شاهنشاهی

پیوست: عریضه

تاریخ: ۱۳۳۰/۱۰/۱۵

محرمانه

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

مرقومه شریفه واصل، موجب امتنان گردید.

در خصوص اشتغال مدیر روزنامه شورش در شرکت بیمه شرحی مرقوم فرموده بودید. این نکته مسلم است که انتصاب ایشان قبل از تصدی آن جناب به مقام نخست وزیری صورت گرفته، اما آنچه مورد توجه است آن است که این شخص بدون آن که کاری انجام دهد همه ماهه مبلغی از خزانه دولت گرفته، اکاذیبی را مغرضانه نشر می دهد و نسبت به مقام مقدس سلطنت جسورانه قلم فرسایی می کند. چون دستگاه دادگستری وظایف خود را به خوبی انجام نمی دهد [و] طبق صریح ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی، نویسنده و ناشر را مستقلاً تحت تعقیب قرار نمی دهند، بر جسارت این شخص افزوده شده به عملیات ناروا و خلاف مصلحت عمومی خود ادامه می دهد.

تصدیق می فرمایید که ادامه این رویه صحیح نیست. بایستی از این کارها جلوگیری شود. جلوگیری از فعالیت مضر این شخص و تنبیه او ضروری به نظر می رسد. خواهشمندم هر نوع اقدامی که در این خصوص مفید و لازم تشخیص می فرمایید معمول دارید. ضمناً نامه ای از طرف اهالی شیراز راجع به ایشان رسیده بود که تلواً ایفاد گردید.

وزیر دربار شاهنشاهی [امضاء:] حسین علاء

سند شماره ۵۰

مکاتبه رئیس شهربانی کل کشور (سرلشکر کوپال) با نخست وزیر (دکتر
مصدق) درباره بازداشت امیر مختار کریم پور، مدیر روزنامه شورش

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۱/۲/۱۳۳۰
شماره: ۱۶۹۶/ز

جناب آقای نخست وزیر

طبق گزارش اداره زندان به عرض می‌رساند.

برابر قرار شماره ۱۰۱ - ۳۰/۱۱/۱ شعبه ۲۹ بازپرسی تهران، امیر مختار کریم پور
شیرازی فرزند امیر قدمعلی، مدیر روزنامه شورش در تاریخ ۳۰/۱۱/۱ به اتهام اهانت
به مقام شامخ سلطنت و نشر اکاذیب در بازداشتگاه کاخ دادگستری بازداشت گردید.
ضمناً مشارالیه از تاریخ ۳۰/۱/۱۲ الی ۳۰/۱/۲۱ نیز، از طرف فرمانداری نظامی وقت
بازداشت بوده که طبق نامه شماره ۱۶۸ - ۳۰/۱/۲۱ بازپرسی نگهبانی دادسرا آزاد شده
است.

رئیس شهربانی کل کشور
سرلشکر صادق کوپال [امضاء]

[حاشیه پائین:] ملاحظه فرمودند.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۳۵۳۹/۴

تاریخ: ۳۰/۱۱/۳

سند شماره ۵۱

فهرستی از روزنامه‌ها و مجلات، به همراه اسامی صاحبان امتیاز و مدیران مسئول آنها

شماره ردیف	اسامی روزنامه‌ها	نام مدیر یا صاحب امتیاز
۱	اطلاعات	آقای عباس مسعودی
۲	آزادگان	آقای عزت پور
۳	انسان آزاد	آقای بنی صدر
۴	آزاد	آقای عبدالقدیر آزاد ^۱
۵	امید	آقای ابوالقاسم امینی
۶	آئین	آقای محمد تقی مقتدری
۷	ایران	آقای تفضلی
۸	ایران ما	آقای رهنما
۹	الیک ارمنی	آقای وارطان هو اناسیان
۱۰	آرزو	آقای میر سپاهی
۱۱	آفتاب	آقای مجتبی فاطمی
۱۲	آئین اسلام	آقای نصرت الله نوریانی
۱۳	اقدام	آقای خلیلی
۱۴	آتش	آقای میراشرافی
۱۵	پولاد	آقای تربتی
۱۶	پرچم اسلام	آقای دکتر فقیهی شیرازی
۱۷	پیروزی	آقای مرتضوی
۱۸	توفیق	آقای محمد علی توفیق
۱۹	تهران مصور	آقای احمد دهقان
۲۰	ترقی	آقای لطف الله ترقی

آقای لطف انله ترقی	جهان پاک	۲۱
آقای حسن حلاج	حلاج	۲۲
آقای علی اصغر امیرانی	خواندنیها	۲۳
آقای عمیدی نوری	داد	۲۴
آقای مسعودی	ژورنال دو تهران	۲۵
آقای حبیب‌الله آموزگار	زندگی	۲۶
آقای هوشمند	سعادت بشر	۲۷
آقای سلیمان یونسی	ستاره غرب	۲۸
آقای احمد ملکی	ستاره	۲۹
آقای گرگانی ^۱	شهریار	۳۰
آقای [علی زهری]	شاهد	۳۱
آقای صمصام نیا	کارزار	۳۲
آقای دکتر مصباح زاده	کیهان	۳۳
آقای صفوی	کوشش	۳۴
آقای علی اکبر سلیمی	گل‌های رنگارنگ	۳۵
آقای شیروانی	میهن	۳۶
آقای مجید مؤقر	مهر ایران	۳۷
آقای کی استوان	مظفر	۳۸
آقای محمد مسعود	مرد امروز	۳۹
آقای علی نوروزی	نوروز ایران	۴۰
آقای نجات	نجات	۴۱
آقای ساعی	نسیم شمال	۴۲
آقای فروزش	نجات ایران	۴۳
آقای اسدالله طوفانیان	طوفان شرق	۴۴

آقای معرفت	طبرستان	۴۵
آقای رضا روستا	ظفر	۴۶
آقای صفوی	فانوس	۴۷
آقای باقر نیک انجام	فردا	۴۸
آقای میر مطهری	فرشته آزادی	۴۹
آقای رفیعا	قلندر	۵۰
آقای حسین زعیمی	کسری	۵۱
آقای رهسپار	یزدان	۵۲
آقای فرامرزی (عبدالرحمن)	بهرام	۵۳
آقای دکتر افراشته	دموکرات	۵۴
آقای آرامش ^۱	دیپلمات	۵۵
آقای مهندس باقر مینو	کارگران	۵۶

سند شماره ۵۲

فهرست روزنامه‌ها و مجلات دارای نمایندگی در شهرستانها

فقدان سند		شهرستان			نام روزنامه	ردیف
		۳	۲	۱		
	اجرائی تهران	گلپایگان		بلوچستان	اتحاد ملی	۱
		محلات		ورامین	آرام	۲
		خوی	دامغان	سمنان	اراده آذربایجان	۳
	اجرائی تهران	خرم‌آباد		تویسرکان	آذرین	۴
	اجرائی تهران			کرج	آسیای دمکرات	۵
	-		نهادند	شاهرود	آزادگان شرق	۶
	-		فیروزکوه	شهرری	واهمه	۷
اجرائی منقول	نوبتی	-		تجریش	مشعل آزادی	۸
و غیر منقول		-		تجریش	پیام	۹
	نجدیدی بطور مشترک	اجرائی تهران		خلخال	اتحادیه کارمندان	۱۰
		اجرائی تهران		دزفول	اراده آسیا	۱۱
		-		قلهک	نغمه دنیا	۱۲
	اجرائی تهران			ساوه	روح آزادی	۱۳
	اجرائی تهران			ابهرود	اقلیم	۱۴

	اجرائی تهران		آگهی های ثبتی شرق و غرب و جنوب و شمال تهران	گروس	ندای سپهر	۱۵
	اجرائی تهران				کوشش	۱۶
	اجرائی تهران			شوشتر	ندای حق	۱۷
	اجرائی تهران			بندرعباس	نور و ظلمت	۱۸
	-		زنجان	ملایر	مرد مبارز	۱۹
	اجرائی تهران			مهاباد	آذربایجان	۲۰
	اجرائی تهران		الشر	آشتیان	هوشمند	۲۱
	اجرائی تهران		شهبوار	نائین	آژنگ	۲۲
	اجرائی تهران			دماوند	خدنگ	۲۳
	اجرائی تهران		نوشهر	گنبد کاوس	فردوس	۲۴
فقدان سند	اجرائی تهران و حومه				سحر	۲۵
					دنیا	۲۶
					فردا	۲۷

سند شماره ۵۳

**تقاضای نخست وزیر (دکتر مصدق) از دکتر احمد رضوانی برای
شرکت در کمیسیون مطبوعات**

نخست وزیر

شماره: ۱۰۶۹۸

تاریخ: ۳۱/۵/۲۵

آقای دکتر احمد رضوانی

چون جناب عالی در تذخودتان راجع به قانون مطبوعات در فرانسه مطالعاتی داشته‌اید خواهشمندم روز یکشنبه ۳۱/۵/۲۶ پنج بعدازظهر در کمیسیونی که برای مطبوعات در کاخ ایض تشکیل می‌شود شرکت فرمائید.

نخست وزیر

سند شماره ۵۳/۱

نخست وزیر

آقای دکتر احمد رضوانی

خواهشمند است موقعی که برای ملاقات این جانب تشریف می‌آورید پیشنهادی را که راجع به زندان نموده‌اید همراه باشد.

نخست وزیر

[حاشیه پایین:] بایگانی شود.

سند شماره ۵۴

گزارش منشی کمیسیون مطبوعات (دانش نوبخت) به نخست وزیر
(دکتر مصدق) درباره دومین جلسه کمیسیون مطبوعات و پاسخ
نخست وزیر مبنی بر تسریع در تهیه طرح قانون مطبوعات

۳۱/امرداد/۱۳۳۱

جناب آقای نخست وزیر

دومین جلسه کمیسیون مطبوعات روز سه شنبه ۲۸/امرداد/۱۳۳۱ در کاخ ابیض تشکیل گردید و آقایان دکتر بقائی و دکتر پاد نیز حضور نداشتند. در این جلسه شور در کلیات پایان یافت و چند ماده درباره صلاحیت صاحب امتیاز پیش نویس شده. جلسه آینده به روز شنبه یکم شهریور ماه موکول گردید.

کمیسیون استدعا دارد امر و مقرر فرمائید که وزارت فرهنگ کلیه قوانین مطبوعاتی کشورهای را که در اداره کل نگارش موجود دارند، به انضمام صورت کاملی از کلیه امتیازاتی که تاکنون برای انتشار هر نوع روزنامه و مجله صادر کرده اند در اختیار کمیسیون بگذارند که پس از مطالعه مجدداً به وزارت فرهنگ فرستاده شود.

منشی کمیسیون مطبوعات - دانش نوبخت

[امضاء]

[حاشیه پایین، راست:] به وزارت فرهنگ.

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۱۳۴۷۵

تاریخ: ۳۱/۶/۴

سند شماره ۵۴/۱

نخست وزیر

شماره: ۱۳۴۷۵

تاریخ: ۱۳/۶/۳۱ [۱۳]

آقای دانش نوبخت، مدیر محترم روزنامه سیاست ما با اعلام وصول مرقومه مورخ ۳۱/۵/۳۱، اینجانب تصور می نمودم که مطالعات آقایان تاکنون خاتمه یافته و طرح قانونی لایحه مطبوعات راتهییه فرموده اند، خواهشمندم از طرف اینجانب به آقایان اعضای محترم کمیسیون یادآوری فرمایید که در تهیه و تدوین طرح مزبور جدیت و تسریع فرمایند.

نخست وزیر

[امضاء پیش نویس:] احمد بهار

سند شماره ۵۴/۲

شماره: ۱۱۰۰۸

تاریخ: ۳۱/۶/۱

خیلی فوری است

وزارت فرهنگ

حسب الامر جناب آقای نخست وزیر متمنی است دستور فرمایید کلیه قوانین مطبوعاتی کشورهای خارجی که در اداره کل نگارش آن وزارت موجود است به انضمام صورت کاملی از کلیه امتیازاتی که تاکنون برای انتشار هر نوع روزنامه و مجله صادر شده است به آقای حسین غیثی کارمند دفتر نخست وزیری تحویل فرمایند تا به کمیسیون تهیه طرح مطبوعات ارائه و پس از رفع نیاز به آن وزارت مسترد نمایند. رئیس کل دفتر نخست وزیر

سند شماره ۵۵

پیشنهادات مدیران روزنامه‌های اصفهان در باره قانون مطبوعات

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب ایران

قانون جدید مطبوعات عادلانه تدوین نشده است

لایحه جدید قانون مطبوعات به منظور ابراز نظر مدیران جراید منتشر و با توجه به اینکه وضع نامه نگاری اخیراً به صورت نامطلوبی درآمده بود بسیار لازم می‌بود، ولی متأسفانه در باره کسانی که اخیراً اقدام به انتشار روزنامه نموده‌اند و بخصوص کارمندان دولت نهایت بی‌انصافی به عمل آمده و معلوم نیست چرا یک عده نویسندگان و کارمندانی که جمعیت منورالفکر این کشور را تشکیل می‌دهند و هر کدام ۲۰ تا ۳۰ سال کار آنها نویسندگی توأم و با عفت قلم بوده است و به کلیه امور اجتماعی آشنا بوده و عمری را با ناکامی و محرومیت طی نموده و مخصوصاً در نهضت اخیر به منظور پشتیبانی از اقدامات دولت رل اصلی و کلی را بازی نموده و صدی هشتاد موفقیت‌های اخیر مولود جانبازی‌های صادقانه آنها است، چرا بایستی از حقوق مسلم اجتماعی و نامه نگاری محروم باشند و اصولاً مثل آن است که خدای نکرده برای ایجاد عدم رضایت و شکاف بین آنها و دولت دستهای مرموزی در کار است که می‌خواهد چند هزار نویسنده و یکصد و پنجاه هزار نفر کارمند را ناراضی بسازد. بنابراین امضاء کنندگان زیر مدیران جراید اصفهان محرومیت روزنامه نگاران و مخصوصاً کارمندان دولت را برخلاف اصول مقدس قانون اساسی و مقررات و حق و انصاف دانسته و با توجه به مراتب پایین تقاضای رفع محرومیت آنها را می‌نمائیم.

۱- طبق اصل ۱۳ قانون اساسی و اصل بیستم متمم کلیه افراد کشور حق انتشار روزنامه دارند و تاروژی که برخلاف مصالح کشور اقدام نکنند این حق به قوه قانونی خود باقی خواهد بود.

- ۲- طبق اصول قانون اساسی انتخاب شغل برای هر کس آزاد است مگر آن که به موجب حکم محکمه از شغلی منع گردد.
 - ۳- طبق مقررات کتاب دوم از جلد سوم قانون مدنی هرگونه سند رسمی تا روزی که از طرف مراجع صلاحیت دار لغو نگردد به اعتبار قانونی خود باقی خواهد بود.
 - ۴- اگر لغو امتیازنامه رسمی که به امضاء و مهر وزارت فرهنگ رسیده باشد بدون تشریفات و علت قانونی به عمل آید هر نوع گواهینامه تحصیلی و آنچه را در این کشور سند رسمی اطلاق نمایند از اسناد رسمی دولت و مالکیت و غیره متزلزل است و ممکن است از درجه اعتبار ساقط گردد.
 - ۵- در قانون اساسی و هیچ یک از قوانین جاریه کشور، کارمند از روزنامه نویسی و یا شغل دیگری منع نگردیده است.
 - ۶- اگر مداخله در سیاست برای کارمندان ممنوع گردد با توجه به اینکه انتشار روزنامه در غیر از موقع اداری انجام می گیرد بایستی قبلاً کارمند از صدارت و وزارت و وکالت و انتشار روزنامه بطور کلی منع گردد.
 - ۷- اگر قبول شغل اضافی برای کارمند جرم باشد بایستی کلیه دکترها و مهندسیین و کارمندان فنی در مواقع غیر اداری از انجام کار منع گردند.
 - ۸- اگر منظور از جلوگیری کارمند برای عدم استفاده از اسرار اداری باشد این موضوع برای هر فردی جرم است و مجرم قابل تعقیب است.
 - ۹- یک نفر کارمندی که مدتها نویسنده بوده و عفت قلم ملکه او شده است برای روزنامه نویسی از هر شخص دیگری صالح تر است.
 - ۱۰- یک نفر کارمند که بالغ بر دو سال بر طبق یک اجازه رسمی روزنامه [ای] را منتشر ساخته و از این راه چند هزار تومان متضرر گردیده است اگر امروز از کار خود منع شود این ضرر از کجا تأمین می گردد.
- با توجه به مراتب بالا و مخصوصاً کسانی که در دو ساله اخیر خسارات هنگفتی را متحمل شده اند، چون تزییع حق قانونی آنها برخلاف اصول مقدس قانون اساسی و مقررات جاریه کشور و حق و عدالت است از کمیسیون تنظیم قانون مطبوعات و مقام عالی نخست وزیری استدعا می شود تزییقاتی که در لایحه مزبور برای کسانی که

روزنامه خود را منتشر ساخته‌اند و مخصوصاً کارمندان دولت رفع فرمایند و بدیهی است که با مقرراتی که در لایحه پیش‌بینی شده است چنانچه روزنامه هم بخواهد برخلاف اصول نامه نگاری رفتار کند بالطبع امتیازنامه او لغو و از نویسندگی کنار خواهد رفت. در پایان متذکر می‌شود با تصریحی که در قانون اساسی نسبت به آزادی مطبوعات هست اقتضا ندارد که برخلاف اصول مسلمه مشروطیت، لایحه تنظیم و یک رکن آزادی و مشروطیت را متزلزل و در نظر جهانیان حیثیت ایرانی لکه دار شود. البته نمی‌توان این نکته را هم غمض عین نمود که رویه بعضی از جرائد هم اخیراً پسندیده نبوده است، ولی بد جای این که فشار و تضییق را متوجه عموم نویسندگان و ارباب جرائد نمایند بهتر است که امنیت قضائی [را] به طور کامل تعمیم داد و قدرت دادگستری را در کشور به قدری تقویت نمود که بدون فوت وقت یا اعمال نظر، عدالت اجتماعی رعایت و کسانی که برخلاف اصول نامه نگاری رفتار نمایند تعقیب و مجازات شوند.

مدیر روزنامه قانون	رسا
سپنتا	سپنتا
حیات اصفهان	دکتر محیی
پازهر	قوامی زاده
مجاهد	مجاهد
اولیاء	اولیاء
پیکار اصفهان	حسامی
داد اصفهان	پایداری
سرباز	قائمی
هشت بهشت	معین زاده
پرتو یزدان	یزدان
ضیاء اصفهان	ضیائی
صدای اصفهان	محمد علی مکرم

وزیرزاده	ارژنگ	"	"
صدرهاشمی	چهلستون	"	"
دکتر علوی	پرند	"	"
مرندی	نخبه	"	"
مهرداد	تفسیر سیاسی روز	"	"
امیری	رهبر ورزشکاران	"	"
ربیعی	هلال ایران	"	"
سرکوب	غرش هفته	"	"
عظیمی ^۱	ایام	"	"
جم آسمانی ^۲	ندای لنجان	"	"
محمدعلی دانش	دانش	"	"
مهندس معتمدی	سپاهان	"	"
شیر نشان	شیر نشان	"	"
شعاعی	امید و آرزو	"	"
مرندی	چهره کار	"	"
شفائی	قلم ما	"	"
مهندس دولت آبادی	صائب	"	"
امامی	هلال اصفهان	"	"
حیدری	آئین گیتی	"	"
بزرگزاد	پاداش	"	"
صمصامی	صمصام شریعت	"	"

و چندین امضاء دیگر.

۱. در اصل: علیمی.

۲. در اصل: جم آسمانی.

سند شماره ۵۶

پیشنهاد‌های عباس مجلسی پور (اهل اصفهان) به کمیسیون تهیه قانون
مطبوعات

[تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۱۰]

توسط دفتر نخست وزیری

کمیسیون محترم مخصوص تهیه قانون مطبوعات

موضوع: اظهار نظر نسبت به ماده ۹ قانون مطبوعات.

نظر به این که لایحه قانون جدید مطبوعات برای اظهار نظر در معرض افکار عمومی گذاشته شده، این جانب نیز لازم دانستم در کمال اختصار نظریه خود را نسبت به ماده فوق الاشعار از قانون تهیه شده اظهار بدارم تا در قانونی که در شرف تصویب است مورد توجه قرار بدهند.

به طوری که استحضار دارند موضوع صدور اجازه انتشار روزنامه از دو سال و کسری به این طرف صورت غریب و عجیبی به خود گرفته به این توضیح که به هر کس اجازه انتشار روزنامه خواسته بدون رسیدگی به صلاحیت علمی و سابقه کار و عمل او اجازه صادر شده و این جریان هرج و مرج و وضع شرب الیهودی را در مطبوعات به بار آورده که همه و بخصوص اهل قلم و نویسندگان حقیقی از این جریان متأسف بوده و می‌باشند.

اکثر روزنامه‌ها به جای این که هادی افکار و چراغ سر راه مردم باشند عرصه فحاشی به این و آن و تسویه حساب‌های خصوصی شده و جانی برای ارشاد و هدایت مردم باقی نگذاشته‌اند و خلاصه به تدریج رکن چهارم مشروطیت به صورت بازیچه‌ای در دست یک مشت افراد بی سواد و بی اطلاع از همه جا درآمده و بدیهی بود در چنین شرایطی عده‌ای که جدیداً پا به عرصه مطبوعات گذاشته و نمی‌خواستند از جاده

عفاف و تقوی خارج شوند و قدمی جز به خیر و صلاح مملکت و ملت بردارند نمی توانستند روزنامه‌های خود را مرتب منتشر و وظیفه خطیری را که برعهده گرفته‌اند انجام دهند. لذا مجبور شدند موقتاً قلم را به زمین بگذارند تا ترتیب معقول و دنیا پسندی برای صدور امتیاز و امور مربوط به مطبوعات داده شود که خوشبختانه دولت آقای دکتر مصدق که از هر جهت دست به اصلاحات اساسی زده در این مورد نیز در صدد اصلاح و چاره چوئی برآمده‌اند، ولی به طوری که ملاحظه می‌شود ماده ۹ قانون جدید آنجا که نوشته شده: "همچنین اجازه نامه انتشار روزنامه‌ها و مجلاتی که تا این تاریخ سه سال مرتب منتشر شده باشد به قوت خود باقی است."

حق مسلم عده‌ای از صاحبان روزنامه‌های جدید که به علت فوق‌الاشعار نخواسته‌اند ارزش روزنامه و نویسندگی را از بین ببرند و درانتظار اصلاح قانون به سر برده‌اند تضييع می‌نماید. لذا به نظر این جانب شایسته است برای جلوگیری از تضييع حق این عده - که زیاد هم نخواهند بود - قسمت اول ماده ۹ قانون به این قرار اصلاح و تکمیل شود: "امتیاز روزنامه‌ها و مجلاتی که سابقاً به تصویب شورای عالی فرهنگ رسیده و همچنین اجازه نامه انتشار روزنامه و مجلاتی که تا این تاریخ سه سال تمام از صدور اجازه انتشار آنها می‌گذرد به وقت خود باقی است."

در پایان این نکته نیز قابل توجه است که اصولاً باین همه روزنامه که امتیاز صادر شده انتشار روزنامه به طور مرتب ممکن نبوده و بنابراین اگر نظر تضييق درکار نباشد که مسلم نیست بهتر آن است که ماده ۹ قانون را به قرار بالا تغییر داده و لفظ انتشار مرتب را از لایحه جدید بردارند و فقط به گذشتن سه سال تمام از تاریخ صدور اجازه نامه و انتشار روزنامه اکتفا فرمایند.

عباس مجلسی پور

[امضاء]

آدرس: اصفهان - کارخانه ریس باف.

سند شماره ۵۷

پیشنهاد‌های مدیر روزنامه افسرکیان (قاسم تابستانی) به کمیسیون قانون مطبوعات

روزنامه

(افسرکیان)

مدافع حقوق کارمندان و کارگران

کرمانشاه

تاریخ ۱۳/۷/۱۳۱۳ [۱۳]

دفتر نخست وزیری - کمیسیون قانون مطبوعات

لایحه جدید قانون مطبوعات را که به معرض قضاوت افکار عمومی گذاشته‌اید حتی به گواهی اشخاصی که با مطبوعات میانه خوبی ندارند و از انتقادات بی‌جا یا بجای جراید به تنگ آمده و از دست و قلم روزنامه نویس‌ها دلشان خون شده، ارتجاعی‌ترین و اختناق‌آورترین مقرراتی است که در قرون اخیر نسبت به آزادی قلم وضع شده است.

از روزی که لایحه مزبور را در رادیو قرائت کردند تاکنون به جرأت می‌توان گفت قریب پنجاه درصد مردم نظرشان نسبت به دولت جناب آقای دکتر مصدق تغییر کرده و اغلب اظهار می‌دارند شاید دستی در کار است تا با طرح و تصویب و اجرای قانون مزبور دکتر مصدق را خدای نخواستہ بدنام و مخالف آزادی قلم جلوه دهند.

تجربیات و مشاهدات و حوادث سنوات اخیر به خوبی ثابت و مسلم کرد که هرکس با این آزادی مخالفت کند و جزئی‌ترین مانع و رادعی برای مطبوعات فراهم نماید مورد خشم و قهر ملت واقع می‌شود و لعن و نفرین ابدی را برای خویش ذخیره می‌نماید، بهترین و زنده‌ترین شاهد ما قانون مرحوم زنگنه - اقبال است.

از آنجا که اصول ۱۰ و ۱۳ قانون اساسی حق آزادی قلم و اظهار عقیده را به کلیه افراد ملت یکسان عطا کرده، عامه مطبوعات را به جز آنچه باعث گمراهی و مخالف شرع

مقدس اسلام باشد آزاد دانسته و از آنجا که جناب آقای دکتر مصدق رهبر محبوب و پیشوای ملی مابه کرات مراتب آزادیخواهی و حمایت و جانبداری خود را از آزادی قلم به ثبوت رسانیده و حتی چندین مرتبه جان خود را در راه این هدف مقدس به مخاطره انداخته اند هیچ کس قبول نمی کند که معظم له مایل باشند کوچکترین مانع و ناچیزترین مشکلی در راه آزادی مطبوعات ایجاد شود و به طور حتم با هر نوع تضییق و تحدیدی نسبت به این آزادی که از طبیعی ترین و ابتدایی ترین و غیر قابل انکارترین حقوق بشر و لازمه حکومت دموکراسی است جداً و قویاً مخالفت خواهند کرد، زیرا به خوبی اطلاع دارند که موفقیت مبارزه و نهضت ضد استعماری ملت ایران در سنوات اخیر مخصوصاً تأمین اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که به رهبری و پیشوایی و کوشش خستگی ناپذیر جناب آقای دکتر مصدق شروع گردید و هنوز هم ادامه دارد فقط مرهون آزادی قلم و هماهنگی و تشریک مساعی صمیمانه جامعه مطبوعات کشور بوده است.

با عرض مقدمه بالا اینک ایرادات و اعتراضات و نظرات اصلاحی خود را نسبت به لایحه مورد بحث ذیلاً به استحضار می رساند و چون به صحت و حقانیت و بی غرضی نظریه تقدیمی ایمان دارم مطمئناً از لحاظ حفظ مصالح کشور مورد توجه و امعان نظر واقع خواهد شد.

۱- بین جرایدی که سه سال یا بیشتر از تاریخ حیات آنها می گذرد و طبق ماده ۹ لایحه جدید، امتیاز آنها به قوت خود باقی خواهد ماند عده زیادی هستند که باللهام از مراکز و مراجع خارجی به جای پشتیبانی از مبارزه ضد استعماری ملت ایران و تقویت دولت علیه جناب آقای دکتر مصدق پیوسته با عبارات و مقالات بسیار زننده آن را تضعیف می کردند و اگر پاره [ای] از این قبیل جراید بعد از وقایع سی ام تیر ۱۳۳۱ موقتاً سکوت کرده اند فقط بر اثر فشار افکار عمومی و ترس از خشم و غضب ملت است و به عکس بین جرایدی که از دو سال یا یک سال پیش شروع به انتشار نموده اند اغلب گرانبهاترین خدمت را به نهضت استقلال طلبی و ضد استعماری ملت انجام داده اند و با تحمل انواع مشقات و مشکلات و خسارات همواره از حکومت دکتر

مصدق پشتیبانی نموده و با مقالات و تبلیغات مؤثر خود، مردم را به حفظ اتحاد و اتفاق و پایداری در برابر مشکلات و ادامه مبارزات تشویق و تحریک کرده‌اند. بنابراین آیا انصاف و عدالت و وجدان و قضاوت شما اجازه می‌دهد که نشریه‌های دسته اول بمانند و به اخلال و کارشکنی خود در راه خواست‌های ملت ادامه دهند و حریفی هم برای مبارزه با آنها در مقابل‌شان نباشد. ولی روزنامه‌های طبقه دوم فقط به این گناه که کمتر از سه سال سابقه انتشار دارند یا دارندگان آنها کارمند دولت می‌باشند تعطیل و دچار خسارت جبران‌ناپذیر شوند.

۲- محروم کردن کارمندان دولت از حق آزادی قلم و تحصیل امتیاز نامه‌نگاری کاری است مخالف اصول قانون اساسی و در هیچ یک از نقاط این طبقه را از این حق محروم نکرده‌اند مضافاً به این که در کشور ما باسوادترین و روشن فکرترین طبقات همان کارمندان دولت هستند و اگر این طبقه از حق آزادی قلم محروم شوند باید گفت که این آزادی تقریباً از تمام افراد ملت سلب شده است، زیرا وقتی کارمند دولت یعنی طبقه باسواد و روشن فکر کشور روزنامه نویس نباشد پس چه کسی باشد. بنابراین سلب حق نامه‌نگاری از کارمندان دولت که عموماً مخالف و دشمن سرسخت بیگانه پرستان می‌باشند به هیچ وجه مقتضی و مصلحت نیست و با اصول قانون اساسی هم مبیانت دارد.

۳- بین جرایدی که بیشتر یا کمتر از سه سال سابقه انتشار دارند چه تفاوتی است که امتیاز عده [ای] از آنها فقط به این بهانه که کمتر از سه سال سابقه نامه‌نگاری دارند لغو می‌شود.

آیا برای جبران خسارت روزنامه‌های جدید انتشار که به موجب ماده ۹ لایحه جدید تعطیل می‌شوند و دارندگان آنها متحمل مخارج مقدماتی تأسیس دفتر روزنامه و خرید اثاثیه و پرداخت مال الاجاره محل کار خود و چاپ اوراق و پاکت رسمی و غیره و غیره شده و نزدیک یک سال است مرتباً روزنامه منتشر کرده و به دست مشترکین خود داده‌اند و یک سطر آگهی دولتی نداشته‌اند و تاکنون دیناری بابت حق

اشتراک دریافت نکرده‌اند و منتظرند در آخر سال وجوه آبونمان را جمع آوری و از آن محل بدهی خود را به تاجر کاغذ فروش و مدیر چاپخانه بپردازند و حال به علت قطع انتشار روزنامه کسی حاضر نیست بابت اشتراک نیمه تمام گذشته دیناری بدهد چه فکری کرده‌اید.

روزنامه‌هایی که بیش از سه سال سابقه انتشار مرتب دارند به طوری که مشاهده می‌فرمائید در هر شماره چندین فقره آگهی دولتی چاپ می‌کنند و آبونمان خود را هم از مشترکین مرتباً گرفته‌اند و علاوه بر این که خسارت و بدهی ندارند سودی هم برده‌اند، ولی نشریه‌های جوان مخصوصاً آنها که متعلق به کارمندان دولت می‌باشند از این مزایا محروم بوده و مبالغی از این و آن قرض کرده و به انتظار پایان سال و وصول مطالبات خود از مشترکین طلبکارها را امیدوار و ساکت نموده‌اند. ولی در این موقع که بدون مقدمه دچار تعطیلی می‌شوند جواب بستانکاران را چه بدهند و قروض خود را از کجا تأمین نمایند. آیا همین تصمیم باعث ناراحتی و آشفتگی زندگانی عده [ای] از جوانان این کشور و موجب بسط و توسعه فساد نمی‌شود؟

۴- اگر منظور آقایان اعضا کمیسیون، اصلاح وضع مطبوعات کشور و تصفیه آن از عناصر نااهل و ناباب باشد، به عقیده نگارنده بهترین راه این است که به مطالب و مندرجات روزنامه‌هایی که تا این تاریخ مرتباً چاپ و منتشر شده‌اند و از هر جهت خود را معرفی و ماهیت حقیقی خود را نشان داده‌اند رسیدگی و هر کدام مخالف شرف و حیثیت افراد و منافع و مصالح کشور قدم برداشته‌اند و ادامه انتشار آنها مقتضی نیست امتیازشان به موجب قانون لغو شود و الله گواهی خواهد فرمود که عدالت و دادگستری اجازه نمی‌دهد بد و خوب را با یک چوپ برانند و اصل تشویق خادم و تنبیه خائن را از نظر محو فرمایند و بدین وسیله موجبات یأس و دل‌سردی و بدبینی عده زیادی از مردان فهمیده و باسواد را که به زیان کشور منتهی خواهد شد فراهم فرمائید.

۵- به نظر بنده نحوه عمل آینده بایستی متکی به این اصل باشد که در مرکز هراستان

یاشهرستان کمیسیونی مرکب از رؤساء فرهنگ و دادگستری و شهربانی و یک یا چند نفر استاد یا دبیر و با سابقه ترین مدیران جراید و دو نفر از معتمدین محل تشکیل و به سوابق زندگی و صلاحیت علمی و اخلاقی و اجتماعی تقاضاکننده امتیاز دقیقاً رسیدگی و چنانچه از هر حیث واجد شرایط لازمه بود کمیسیون مزبور تقاضای واصله را بانظریه خود به شورای عالی فرهنگ ارسال دارند تا در آنجا هم مورد رسیدگی و مطالعه قرار گیرد و سپس در صدور امتیاز یارد تقاضا اقدام شود.

۶- جرائم و جزاهائی که در لایحه جدید برای مطبوعات پیش بینی شده بسیار سنگین و غیر عادلانه است و جز در مورد اهانت به مقام سلطنت که به عقیده بنده مجازات آن شدیدتر هم باید بشود در سایر موارد بایستی تجدید نظر و تخفیف شوند. این بود خلاصه اعتراضات و نظر بنده راجع به مواد قانون جدید مطبوعات و امیدوار است هر تصمیمی که اتخاذ بفرمایند با توجه به اصول قانون اساسی و تأثیر مبارزه مطبوعات در سنوات اخیر و اجتناب از سلب حق آزادی قلم از کلیه افراد ملت به خصوص کارمندان دولت و متکی به مطالعه و تعمق و غور و [بر]رسی باشد که در آتیه پشیمانی به بار نیآورد و وسیله اختناق آزادی به دست مغرضین ندهد.

مدیر مسئول روزنامه افسر کیان - قاسم تابستانی

[امضاء]

سند شماره ۵۸

انتقادات و پیشنهادهای حزب پان ایرانیست در باره قانون جدید مطبوعات

حزب پان ایرانیست

پاینده ایران

تاریخ: ۳۱/۷/۱۴

شماره: $\frac{۳۰}{۳}$

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب

در باره قانون جدید مطبوعات لازم خاطر عالی را خصوصاً به دو نکته زیر معطوف سازد:

۱- در باره سن صاحب امتیاز - مدیر - سردبیر - بطوری که عملاً مشاهده می شود اکثر نویسندگان جراید را جوانان تشکیل می دهند و این موضوع قاعده "بایستی موجب خوشنودی باشد و حتی برای ترغیب و تشویق آنان تسهیلاتی فراهم شود. این که در لایحه قانونی مانند قوانین گذشته حداقل سن صاحب امتیاز سی سال در نظر گرفته شده است صحیح نیست و عملاً سبب می شود که نویسندگان جوان با توسل به اشخاص فاقد صلاحیت و شخصیت برای خود امتیاز روزنامه یا مجله به دست آورند. اساساً وقتی به موجب قانون جوانان از سن هجده سالگی می توانند مسئولیت گفتار و کردار خود را به عهده گیرند معلوم نیست به چه مناسبت نباید مجاز باشند که از نیروی قلم خود استفاده کنند و برای بیان عقاید ناچار به استفاده از حواشی قانون و به اصطلاح "کلاه شرعی" باشند. در این مورد ما معتقدیم که حداقل سن صاحب امتیاز به منظور تشویق جوانان از سی سال کمتر تعیین شود.

۲- در باره این که مستخدمین دولت حق داشتن امتیاز روزنامه یا مجله ندارند.

صرف نظر از این که این قسمت از قانون نیز وسیله جدیدی است برای استفاده از حواشی قانون و در عمل صورت تحقق نخواهد یافت لازم است توجه آن جناب را به این نکته جلب نمائیم که در کشور ما روزنامه نویسی شغل و ممر عایدی محسوب نمی شود، بلکه وسیله ابراز عقاید و دخالت در سرنوشت اجتماعی است. صرف نظر از عده ای که روزنامه را وسیله تهدید یا تطمیع دیگران قرار می دهند و از این راه سودجوئی می کنند، روزنامه های دیگر به وسیله کسانی منتشر می شود که آرمان و هدفی را تعقیب می کنند و با مشقات بسیار و مشکلات فراوان و تحمل ضررهای مالی به منظور نشر عقاید خود دست به چنین کاری می زنند و برای اکثر آنها امکان ندارد که شغلشان منحصر به روزنامه نویسی باشد و با در نظر گرفتن این که افراد تحصیل کرده این کشور به دلایلی که ذکر آن از حوصله این شرح خارج است ناچار به استخدام در مؤسسات دولتی می باشند، کوتاه کردن دست آنها از صفحه جراید صحیح نیست. مستخدمین دولت که اینک در شهرها اکثریت افراد تحصیل کرده را تشکیل می دهند نبایستی از طبیعی ترین حق خود محروم بمانند و بدین وسیله نباید حق تحصیل کرده هائی را که ناچار به خدمت دولت هستند در مبارزه اجتماعی پامال نمود. برای مثال بدنیت نظری به وضع حزب پان ایرانیست بیافکنیم که اینک به تصدیق دوست و دشمن صرف نظر از احزابی که به خرج بیگانگان اداره می شوند بزرگترین و متشکلتترین حزب ایران است. صفوف حزب ما از جوانان تحصیل کرده تشکیل می شود و این جوانان اکثراً با وجود اشتیاق به کارهای مولد و مثبت، نظر به مقتضیات زمان ناچار از قبول کار دولتی هستند و معلوم نیست به چه سبب نباید حق داشته باشند که برای بیان افکار و عقاید خود از قلم خویش استفاده کنند.

ما امید داریم که این قسمت از قانون که عملاً هرگز اجرا نخواهد شد از هم اکنون حذف گردد.

با تقدیم احترامات فائقه

منشی کمیته عالی رهبری حزب پان ایرانیست

محمد رضا عاملی تهرانی

[امضاء]

سند شماره ۵۹

پیشنهاد‌های مدیر اتحاد خویشاوندان کرمان (هاشم ایران نژاد) به
نخست‌وزیر (دکتر مصدق) درباره قانون مطبوعات

(اتحاد خویشاوندان)

کرمان

تاریخ: ۳۱/۷/۱۹

شماره: ۲۳۱

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر محبوب ملی

البته خود آن جناب گواهی خواهند فرمود جراید و مطبوعات در حقیقت به منزله زبان و بیان عقاید مردم و ملت هر مملکت است و سزاوار نیست در یک حکومت ملی سلب آزادی بیان عقاید مردم خصوصاً از کارمندان دولت که طبقه روشن فکر اجتماع هستند به عمل آید. اگر حقیقتاً توجه کافی مبذول گردد و متن قانون مطبوعات مصوبه محرم ۱۳۲۶ [۱] قمری مورد مطالعه دقیق قرار گیرد گمان می‌رود با اصلاحات زیر ۵۲ ماده قانون مزبور نظر دولت و قاطبه مردم و طبقه روشن فکر و حتی کسانی که قصد دارند از اهانت و تعرض مصون مانند تأمین شود.

۱- به ماده ۸ قانون محرم ۲۶ اضافه شود (انتشار هر نوع روزنامه و مجله موکول به صدور اجازه نامه مخصوص از طرف اداره کل نگارش وزارت فرهنگ) (بنابر تصویب شورای عالی مطبوعات) خواهد بود) بدیهی است شورای مطبوعات همان شورایی باشد که در ماده ۱۴ قانون اخیر پیش بینی شده است.

۲- جرائم و مجازاتهای معینه در قانون محرم ۲۶ بر حسب مقتضیات روز و ارزش پول این زمان افزایش یابد.

در خاتمه به عرض می‌رساند گذشته از جرائم و مجازاتهای معینه در قانون

مطبوعات، در قوانین مجازات عمومی برای تعقیب کسانی که اشخاص را بی جهت مورد اهانت قرار دهند طرق مختلفه پیش بینی شده، البته برای اجرای قوانین بدون اغماض و از روی حقیقت تدابیر لازمه باید اتخاذ گردد.

با تقدیم احترام

مدیر اتحاد خویشاوندان کرمان - هاشم ایران نژاد

[امضاء]

۳۱/۷/۱۹

سند شماره ۶۰

قطعنامه جامعه روزنامه نگاران خوزستان مبنی بر مغایرت طرح لایحه جدید مطبوعات با قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر

قطعنامه جامعه روزنامه نگاران

خوزستان - آبادان

بدین وسیله به استحضار جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر

و جامعه جراید پایتخت می‌رساند

پیرو تلگراف اعتراض آمیز مورخ ۳۱/۷/۱۴ جامعه روزنامه نگاران خوزستان - آبادان در جلسه منعقد شده مشورتی مورخ ۳۱/۷/۱۵ پس از طی مذاکرات لازم و بررسی که در ماهیت مفاد طرح لایحه جدید مطبوعات به عمل آوردند و با ملاحظه به مندرجات معترضه جراید مختلف المسلك پایتخت و شهرستانها کلیه مواد طرح مزبور را مخالف قوانین اساسی کشور و مغایر با اعلامیه حقوق بشری دانسته و با هم‌آهنگی با جراید مرکز و شهرستانها انتقادات و نظریات اصلاحی جراید مزبور را مبنی بر حذف

و طرد کلیه مواد متن لایحه اختناق آمیز پیشنهادی از شخص آقای نخست وزیر خواستار و در شرایط کنونی مانعی برای ابقاء قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ قمری نمی بیند و اصولاً چون پیشنهادات کافی و مؤثری از طرف همکاران مطبوعاتی در مرکز و شهرستانها به عمل آمده نیازی بر توضیحات بیشتری ندانسته در صورتی که اقدام و اقتضائی را از لحاظ تأمین آزادی بیشتری به ملت ایران از طرف نخست وزیری در نظر گرفته شده جامعه [روز] نامه نگاران خوزستان نیز اصرار دارند که طرح بهتری جهت تحکیم اصول آزادی بیان و عقیده و حفظ تساوی حقوق انسانی و دموکراسی ملی بر طبق اصل ۸-۱۳-۲۰ قانون اساسی ایران برابر مفاد اعلامیه حقوق بشر تصویب فرمایند.

جامعه روزنامه نگاران خوزستان - آبادان

دارنده امتیاز روزنامه حقوق ملت: عبدالله شیرانی - دارنده امتیاز روزنامه آهنگ زندگی: محمد علی افراسیابی - دارنده امتیاز روزنامه نهنگ خلیج: محمد امین کمالی - دارنده امتیاز روزنامه پرچمدار آزادی: فرهاد فلاحتی - صاحب امتیاز و مدیر روزنامه ستاره خوزستان: سید حسین افسر - صاحب امتیاز روزنامه بهمنشیر صمیمی - صاحب امتیاز و مدیر نامه مجد: دکتر مجدی - صاحب امتیاز روزنامه فوزی: قاسم فوزی - صاحب امتیاز روزنامه فریاد آبادان: سلمان بحری - مدیر و ناشر مسئول روزنامه فریاد آبادان: کیامرذ فلاحتی - صاحب امتیاز و مدیر مسئول قیام خوزستان: علی کبید آبادی - صاحب امتیاز و مدیر مسئول نامه اتابک: منصور اتابکی - صاحب امتیاز و مدیر مسئول اصلاح خوزستان: خاکپور - صاحب امتیاز و مدیر مسئول نامه سرو آزاد: اسمعیل سروقد - صاحب امتیاز و مدیر مسئول نوای ملت: طباطبائی - صاحب امتیاز و مدیر نامه صاعقه روز: ابراهیم فرحبخش.

سند شماره ۶۱

مکاتبه وزارت دارایی با نخست وزیری در باره ارسال لایحه قانونی
مطبوعات

وزارت دارایی

به تاریخ: ۱۳۳۱/۱۲/۱۸

شماره: ۷۸۱۲۱

اداره حسابداری نخست وزیری

رونوشت لایحه قانونی مطبوعات که مشتمل بر پنج فصل و چهل و شش ماده و یازده تبصره می باشد و در تاریخ پانزدهم بهمن ماه یک هزار و سیصد و سی و یک به تصویب جناب آقای نخست وزیر رسیده است جهت اطلاع به ضمیمه فرستاده می شود.

دفتر وزارتی

[امضاء: ناخوانا]

[حاشیه پایین:] ملاحظه شد.

[مهر:] ورود به دفتر حسابداری نخست وزیر

شماره: ۲۷۱۳/ج

تاریخ: ۳۱/۱۲/۲۴

سند شماره ۶۱/۱

وزارت دارایی

به تاریخ: ۱۳۳۱/۱۱/۱۵

شماره: ۳۸۳۹۴

لایحه قانونی مطبوعات

فصل اول- تعریف و تأسیس روزنامه و مجله

ماده ۱- روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی بطور منظم و در مواقع معین بر طبق اجازه نامه طبع و نشر گردد.

ماده ۲- هرکس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید.

ماده ۳- درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد.

الف - ایرانی باشد.

ب - سن او از سی سال کمتر نباشد.

ج - سابقه محکومیت جنائی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد.

د - سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد.

تبصره - در صورتی که مؤسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا بند ج این ماده بشود، اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده ۴- درخواست کننده اجازه، علاوه بر مدارک لازمه، اظهارنامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور، در شهرستانها به فرماندار محل تسلیم خواهد نمود.

۱- نام و نام خانوادگی مؤسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر و یا سردبیر، اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد.

۲- محل اداره روزنامه یا مجله.

۳- نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود.

۴- نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه.

۵- عده نسخه‌هایی که از هر شماره چاپ می‌شود.

۶- روش روزنامه یا مجله.

تبصره - هر گونه تغییری که نسبت به موارد فوق پیش آید، مدیر موظف است در ظرف یک هفته به اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند.

ماده ۵- درخواستهای تأسیس روزنامه یا مجله به وسیله هیأتی مرکب از مدیرکل وزارت کشور - رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نماینده او رسیدگی می‌شود و نسبت به درخواستهایی که واجد شرایط قانونی باشد اجازه نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید.

تبصره ۱- مدت اعتبار اجازه نامه‌ها برای شروع انتشار شش ماه است.

تبصره ۲- وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه‌ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است بامشخصات هر یک مرتباً ثبت می‌شود. صدور اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و به هیچ کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد.

ماده ۶- مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسباتی پلمب شده بر طبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیه مخارج و درآمد اداره منظمأ در آن ثبت گردد و بیلان سالیانه درآمد و مخارج خود را به گواهی دادستان یا نماینده او رسانیده و در اولین شماره ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشار دهد.

دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل شش ماه یک بار دفاتر

مزبور را بازرسی و امضاء نماید.

ماده ۷- هر روزنامه و یا مجله ممکن است علاوه بر مؤسس، مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد، در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرر در ماده سوم باشند.

ماده ۸- در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی مؤسس و در صورتی که مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر و سردبیر و همچنین نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن به طبع می‌رسد قید شود. در مورد کتب و رسالات نیز نام مؤلف یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن به چاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود.

تبصره - مدیر هر روزنامه یا مجله مکلف است یک نسخه از روزنامه یا مجله خود را برای دادستان شهرستانی که روزنامه یا مجله در آن حوزه چاپ می‌شود مستقیماً و یا به وسیله پست سفارشی دو قبضه فرستاده و رسید بگیرد.

ماده ۹- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و بنگاهایی که دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتی که بخواهند نشریه مرتبی داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند.

ماده ۱۰- اجازه نامه روزنامه‌ها و مجلاتی که تا تاریخ تصویب این لایحه یک سال تمام مرتب منتشر شده باشند به قوت خود باقی هستند. وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یک ماه از تصویب این لایحه قانونی، فهرست آنها را با اطلاعات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که یک سال تمام منتشر نشده‌اند می‌توانند در ظرف یک ماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی، درخواست خود را بر طبق مواد ۳ و ۴ به وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواستها را معلوم نماید.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۱- هیچ کس نمی تواند اجازه نامه روزنامه یا مجله خود را به دیگری واگذار کند مگر این که آن شخص واجد شرایط مقرر شده و انتقال به تصدیق وزارت کشور برسد.

ماده ۱۲- در صورت فوت مؤسس، چنانچه در میان وراثت کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراثت و یا قائم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه به نام او صادر می شود والا وراثت می توانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

فصل دوم - حق جوابگوئی - آئین نامه های مطبوعاتی

ماده ۱۳- مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونه توضیحات و جوابها را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفی که مطلب اصلی را چاپ کرده مجاناً و بلا تأخیر به طبع برساند و نسبت به زاید بر آن میزان جواب دهنده حق الطبع معمولی را خواهد پرداخت. همین تکلیف شامل روزنامه ها و مجلاتی که مطالب مشتمل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع را از مطبوعات دیگر نقل نمایند خواهد بود. در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب، مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابهای مجدد برای معترض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۴- وزارتخانه های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه ها طبع کتب و رسالات و اعلانات و کتاب فروشی ها و توزیع جراید و روزنامه فروشی ها و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آئین نامه های^۱ لازم را تهیه و به هیأت وزیران پیشنهاد

۱. در اصل: آئین نامه ها.

نمایند. در این آئین نامه‌ها^۱ برای توزیع و فروش روزنامه‌ها و مجلات و رسالاتی که به زبانهای خارجی و یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود.

فصل سوم - جرائم مطبوعاتی

ماده ۱۵- اشخاصی که به وسیله نشر مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات، مرتکب یکی از جرایم ذیل شوند به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شوند.

الف - کسانی که مردم را صریحاً تحریض و تشویق به خرابکاری و آتش سوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند.

ب - کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند.

در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریض و ترغیب مؤثر واقع شود و جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند الف و ب به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش بینی شده است.

ماده ۱۶- اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد به شش ماه تا ۲ سال محکوم می‌شوند.

ماده ۱۷- هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود.

ماده ۱۸- هر کس بوسیله روزنامه یا مجله یا کتاب مردم را صریحاً به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریض و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود به یک ماه تا ۳ ماه حبس تأدیبی با

پرداخت دو هزار تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹- هر کس به وسیله مطبوعات از جرایم مذکور در مواد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از پنج هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می شود.

ماده ۲۰- هر کس به وسیله روزنامه یا مجله به مقام سلطنت و یا شخص شاه توهین کند به مجازات مندرج در بند یک ماده (۸۱) قانون مجازات عمومی محکوم می شود.

ماده ۲۱- هر کس به وسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید، طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می شود، مشروط بر این که در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابل شود.

ماده ۲۲- در جرایمی که ذیلاً ذکر می شود:

الف - انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه.

ب - انتشار صور قبیحه.

ج - انتشار آگهی ها و یا عکسهائی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی.

د - انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضائی که قانوناً انتشار آنها ممنوع است، مرتکب به تأدیه یک هزار تاده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳- هر یک از افراد اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افتراء و یا فحش و الفاظ رکیک و یا نسبت های توهین آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه شکایت نماید. مرتکب به ۲ ماه تا ۶ ماه حبس تأدیبی و یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- در موارد فوق شاکی نیز می تواند برای مطالبه خسارت مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و

دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۲- هر گاه انتشار مطالب مذکوره در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاک یا بازماندگان آنان باشد، هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید.

ماده ۲۴- هر کس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشاء سری نماید، در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵- هر کس به وسیله مطبوعات به وزراء یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا به یکی از مستخدمین دولت اعم از قضائی و اداری و لشکری و اعضاء دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و رؤساء و اعضاء انجمنهای شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضاء بنیات منصفه و یا اعضاء اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به سبب انجام وظائف محوله به آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظائفشان مورد تهمت و افتراء قرار دهد، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در مورد این ماده و همچنین در مورد ماده ۲۳ پس از شروع تعقیبات قانونی دادستان به متهم اخطار خواهد کرد مادام که تحت تعقیب کیفری است از نشر هر نوع مطلب مربوط به اهانت و یا افتراء درباره شاکی خودداری نماید. در صورتی که متهم به اخطار دادستان ترتیب اثر ندهد، دادستان می‌تواند امر به توقیف روزنامه یا مجله صادره کند. متهم نیز می‌تواند از این دستور دادستان به دادگاه شهرستان محل شکایت نماید. دادستان موظف است فوراً پرونده را به دادگاه بفرستد و دادگاه باید در ظرف ۳ روز پس از وصول پرونده به شکایت رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند.

چنانچه دادگاه نظر دادستان را تأیید نماید دیگر آن روزنامه یا مجله تا زمانی که

متهم تحت تعقیب کیفری است قابل انتشار نخواهد بود.

تبصره - افتراء و تهمت مذکور در این ماده بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است. در صورتی که اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است. متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبت هایی که داده است تسلیم و معرفی نماید. در صورتی که متهم دلایل اثبات اسناد خود را به دادسرا بدهد دلایل او اخذ و ضمیمه پرونده شده پس از صدور قرار مقتضی به دادگاه جنائی ارسال می گردد تا ضمن رسیدگی به اتهام متهم، به دلایل تقدیمی او نیز رسیدگی شود. ماده ۲۶- هر کس به وسیله مطبوعات به اقلیتهای مذهبی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یابغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریض کند به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۷- هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود، به تقاضای شاکی خصوصی، از پانصد تا پنج هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می تواند خسارات خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند.

ماده ۲۸- در کلیه جرایم مذکوره در مواد فوق، مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هر گاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسنده قابل تعقیب جزایی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد شد.

ماده ۲۹- در کلیه موارد مذکور در مواد فوق، آنجا که جرم جنبه هتک حرمت یا توهین و یا افتراء نسبت به اشخاص دارد، تعقیب مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد شد.